

ویا رع ات هنر ساقمه!

سؤال (!!)

راستش اینروزها بغضی از خواهان و برادران که تعدادشان هم کم نیست "پاتوقش" بغضی از مصادر و مراجع ساسی و دولتی میکند و وضع بمحوری درمیاید که همه اقلایی روزیم ساقی را مشکل بلکه غیرمکن میکند.

روش دوم روش کسانی بود که میگفتند "او را باشد طور اقلایی و آن درون دکرگون ساخت

ساختن از خواهان که در میان دین و با مردم

به خارج را از من برد و این تغییر ساخت را با تغییر فرهنگ هم عمل کرد تا ارتقی جدید روحی سلطنتی و قیمتیت روحیه را زدست بدده" .

پس فرق تو با این مصادر و مراکز... جست!

سئوالات عجیب و غریب (!!) خواهان و برادران:

۱- چرا بعضی از سوالات که نتوص تاییدگان

محترم از دولت پرسیده مشود بیشتر از نکاهه طول

میکند تا پاسخ خود را دریافت دارد، اما بعضی

دیگر در طرف چند روز و یا گفته جواب داده

مشود؟

۲- چرا از نامهای که برای فراغت توسط

نمایندگان مفترم به رئیس مجلس مشود و پارادای اصلًا

فراغت نمیشود؟

۳- چرا برعی از نقطه‌های قبل از دستور

بدلیل رسی نبودن هیچ‌وقت از رادیو تلویزیون

پخش نمیشود و برعی بعنوان خبرهای روز در آغاز خبر به معنی شوندگان و بینندگان

عزیز! می‌رسد؟

۴- چرا با وجودیک رئیس جمهور درخواست

کرده است خبرنگاری شهید از رادیو تلویزیون

پخش شود و مردم ممکن تلقنی این درخواست را

تکرار کردند، هم اینکار شدند و علاوه بر این

مقامات مستول! (!) هم از زمینه اظهار نظر

رسمی و غیررسمی! نمودند؟

اما به عقیده و قایعه نگار درکل

یک جواب شخصی مشود به همه این

سئوالها و سوالاتی از این قبيل که در واقع

پاتوقش بزرگ و خسرو اینکردن است، داد و آن

ایست که "صلاح ملک خوش" (!!) خسروان دانند.

تسانیر خواهان و برادران عزیز جه باشد.

جواب‌ما بانتست که اولاً آن تابعیت خود به ازین

بردن موجودیت انجامیده بود و تا پایان موجودیت

کامل ایران هم فاعله نبود. باید این‌طور فکر کرد

که اگر جمیعت مان افزایش پیدا میکرد که میشود و متعایع

طبیعتی که میشود چه میکند؟

آن تابعیت و ایستگی جواهی برای این سوال

نداشت، و بنست اتفاقداری که رزمی به پهلوی دان

کنفکار بود برای اینکه میشود نه صدمه ای از آن

زمزمه در از رو محظوظ جیست؟ و چندی که

گذشت از این مک موجودیت جیست؟ و چندی که

کشوری اجازه و اختیار اداره امور خود را داده است

نشد؛ چه موجودیت دارد؟

جواب‌ما بانتست که اولاً آن تابعیت خود به ازین

بردن موجودیت انجامیده بود و تا پایان موجودیت

کامل ایران هم فاعله نبود. باید این‌طور فکر کرد

که اگر جمیعت مان افزایش پیدا میکرد که میشود و متعایع

طبیعتی که میشود چه میکند؟

آن تابعیت و ایستگی جواهی برای این سوال

نداشت، و بنست اتفاقداری که رزمی به پهلوی دان

کنفکار بود برای اینکه میشود نه صدمه ای از آن

زمزمه در از رو محظوظ جیست؟ و چندی که

گذشت از این مک موجودیت جیست؟ و چندی که

کشوری اجازه و اختیار اداره امور خود را داده است

نشد؛ چه موجودیت دارد؟

این توجه را گرامی بدارید.

قابل توجه کارخانجات سیمان -

گچ - معدان و سیلوها

مقداری دستگاه نقاله، ساخت انگلستان شامل موتوگریپرکس - شاسی - رولیک و متعلقات دیگر بطور یکجا یا چندی بفروش میسرد.

مائشان سازی مؤمنه تلفن ۷۸۵۶۵

جان آقای دکتر بنی صدر رئیس جمهور محبو و فرمانده

کل قوا

پیروزی در حله به قوای متغیر عراق را تیریک و تهیت

گفته با از روی سلامت و موقعیت برای شما و همه زرمندان دلیر ایران و به امید پیروزی نهایی دعای خیرمان برده راهنمای داد

احمد جلالی

انواع سرویس‌های بهداشتی، نوازم اخلاقی حمام و شیرآلات ساخت آلمان

شرکت چارکانه: سیدخدن اخیران خواجه عبد الله انصاری. شماره ۸۷. تلفن: ۲۳۹۰۵۱ - ۲۳۸۶۶۲

نیز در حلول هر میلادی زور بکار می‌رود. بعد این زور عمومیت پیدا میکند و وضع بمحوری درمیاید که همه اقلایی روزیم ساقی را مشکل بلکه غیرمکن میکند.

روش دوم روش کسانی بود که میگفتند "او را دکرگون کرد، واستنکهای آن

باید طور اقلایی و آن درون دکرگون ساخت

ساختن از خواهان را از نیزهای خطرناک است. این که بنام دین و با مردم

آن را در سایه پاساران گفتم و اکنون خطا به نیازهای روزیم

همه نیزهای سلسله می‌گویند. رئیس جمهوری برای

فرهنگ هم عمل کرد تا ارتقی جدید روحی سلطنتی و

قیمتیت روحیه را زدست بدده".

پس فرق تو با این مصادر و مراکز... جست!

و اما... اید اصلی برای همین جاست یکبار این

طلب را در سایه پاساران گفتم و اکنون خطا به نیازهای روزیم

باید میکند و متعایع نیزهای خطرناک است. این که بنام دین و با مردم

آن را در طرف چند روز و یا گفته جواب داده

مشود؟

۲- چرا از نامهای که برای فراغت توسط

نمایندگان مفترم به رئیس مجلس مشود و پارادای اصلًا

فراغت نمیشود؟

۳- چرا برعی از نقطه‌های قبل از دستور

بدلیل رسی نبودن هیچ‌وقت از رادیو تلویزیون

پخش نمیشود و برعی بعنوان خبرهای روز در آغاز خبر به معنی شوندگان و بینندگان

عزیز! می‌رسد؟

۴- چرا با وجودیک رئیس جمهور درخواست

کرده است خبرنگاری شهید از رادیو تلویزیون

پخش شود و مردم ممکن تلقنی این درخواست را

دستور کردند، هم اینکار شدند و علاوه بر این

مقامات مستول! (!) هم از زمینه اظهار نظر

رسمی و غیررسمی! نمودند؟

اما به عقیده و قایعه نگار درکل

یک جواب شخصی مشود به همه این

سئوالها و سوالاتی از این قبيل که در واقع

پاتوقش بزرگ و خسرو اینکردن است، داد و آن

ایست که "صلاح ملک خوش" (!!) خسروان دانند.

تسانیر خواهان و برادران عزیز جه باشد.

جواب‌ما بانتست که اولاً آن تابعیت خود به ازین

بردن موجودیت انجامیده بود و تا پایان موجودیت

کامل ایران هم فاعله نبود. باید این‌طور فکر کرد

که اگر جمیعت مان افزایش پیدا میکرد که میشود و متعایع

طبیعتی که میشود چه میکند؟

آن تابعیت و ایستگی جواهی برای این سوال

نداشت، و بنست اتفاقداری که رزمی به پهلوی دان

کنفکار بود برای اینکه میشود نه صدمه ای از آن

زمزمه در از رو محظوظ جیست؟ و چندی که

گذشت از این مک موجودیت جیست؟ و چندی که

کشوری اجازه و اختیار اداره امور خود را داده است

نشد؛ چه موجودیت دارد؟

این توجه را گرامی بدارید.

کارنامه رئیس جمهور

از صفحه ۱

این کارها در جمههای جنگ ممکن است صدمت

شتوش داشته باشد. نیووی که جنگ میکند تباش

برای خود را از نیزهای خطرناک است. این که بنام دین و با مردم

همه نیزهای سلسله می‌گویند. رئیس جمهوری برای

فرهنگ هم عمل کرد تا ارتقی جدید روحی سلطنتی و

قیمتیت روحیه را زدست بدده".

پس فرق تو با این مصادر و مراکز... جست!

و بیم و اید اصلی برای همین جاست یکبار این

طلب را در سایه پاساران گفتم و اکنون خطا به نیازهای روزیم

باید میکند و متعایع نیزهای خطرناک است. این که بنام دین و با مردم

آن را در طرف این نیزهای سلسله می‌گویند. رئیس جمهوری

باید میکند و بیشتر از یک بیانیه میکند و متعایع نیزهای خطرناک است. این که بنام دین و با مردم

آن را در طرف این نیزهای سلسله می‌گویند. رئیس جمهوری

باید میکند و بیشتر از یک بیانیه میکند و متعایع نیزهای خطرناک است. این که بنام دین و با مردم



«هجرت» مبدأ تاریخ «زندگی انسانی» انسان

میگریم استقامت در راه خدا و مت و ناتکتی کار است. یعنی درست است که او پیغمبر بود ولی در طول این سیزده سال در شایط مختلط جطور دعوت خودش را توانست بفهمندانه و خود این ساقیات کرد و آن روح و عظمت اسلامی را توانست به افراد پیشناشید که حالا در طول چهارده قرن یک عدد از طریق اسلام نان خود را داد بدن اینکه از عظمت اسلامی بفرمود شوند که تنافسانه در سیاری از جاهای این فکرها وجود دارد. یاد بپارورد

زمجتی که اکنون کشیده و نان دانی برای کسی درست نکرده و سیله و ابزاری هم ندارد که بخواهیم عوایض دینی مردم سادلخوا را اوضاع بکنیم. حققت اسلام و توحید و برادری رئیسی و محبت مهمنهایها باعث شد که دلایل مکتبت پیدا

کنند. بالاخره پیغمبر بعداز سیزده سال که هر روز آن درسی برای اسلامان و تمام شریعت است و اینهمه رحمت پیغمبر عوایض دینی که تا دیدن را برخود همراه کرد و با آن رحالت رفت به آغ شور و بعد حرکت کردن خیلی جالب است که وقتی به مدینه رسیدن در آن چند روز اول از رنجین زندگی مردم در مدینه چندین دری بزرگ برای اسلامان و تمام شریعت این رحالت را برخورد کرد، چنان‌که در فران

حضرت فرمودند که آب چاه باید عوض شود و یک

جهاد دیگر در مکان دیگر زندگی داد. این مک خودش

درین دیگر است تا چیزی را در دسترس مردم

قرار ندهی و چیزی که به آن خود گرفتار نمی‌شود

از دستستان گرفت و باید قدم مثبت در کار اقدام

نمی‌وود و داشته باشد. بعد مسئله ایجاد برادری

کردن و مسئله نماز جمعه را دایر کردن و اقدامات

دیگر....

امیدواریم که از مهارجین واقعی باشیم.

البته کی بخت فقهی هم داریم که بکی از گناهان

کبیره نعمد بعد از هجرت بود. هجرت دروشن

از آن جایی که به آن مانوس است برای بدست اوردن

چیزی است که رشد انسانی اش را تامین نمی‌کند. اگر

کسی دسترس به انسانی را داده ندارد

این واجب است که از جایی که دسترسی دارد

کند به جایی که دسترس دارد. البته مهمنهای

کنند و این اتفاق دیگر نمی‌باشد و بالآخر رفت دارد

این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

و بالآخر رفت دارد

که این اینجا به انسانی را دسترسی داده است

محاکمه دکتر حمید جرایدی معاون وزارت دارائی به اتهام عضویت در سازمان جاسوسی «سیا»

حاکم شرع: شما چقدر حقوق میگرفتید منهم ممن از سازمان برname حدود ۸۳۰۰ نوامن حقوق میگرفتند. که بعد به وزارت دارائی رفتم و قدری حقوق مشد.

روشنیه من این اتفاق بین المللی بود در وزارت دارائی شخصی بنام بوقایی بود که از طریق نامبرده من در وزارت دارائی استخدام شد.

حاکم شرع: چه اطلاعاتی به آنها میدادید؟

منهم: نه تنهم از خبرنگاری در اختیار نبودند.

ملاتقای اینها در سازمان بوقایی بود که از خبرنگاری در خیابان پارک و اکنرا در ماشین بود.

حاکم شرع: چه صفتی ایجاد کردند؟

منهم: وقتی اقبال فوت کرد دکتر بکانه وزیر شد. و جمشید آمورگار بیدخت و زیر رسید.

جنشید آمورگار قبل از اینکه نخست وزیر شود نماینده ایران در اویک بود. و بعد بیشتر را به

لکانه سرده که بعد رئیس سازمان برname شد. باز توجه به اینکه قبل از زمینه نهضت مطالعه کردند

حاکم شرع: مگر مشوش که تنها با "سیا" در

آنها همکاری کنم و من همکار بیرون کریم بودم.

د. وزرات اقتصاد و دارائی کارشناس کرباسون

بودم و زرگاری هم که دکتر بکانه بود.

پس از اغذیه بکار رفته شرکت در سینمای

بهین کرد. و زیرینه بکار رفته شرکت در سینمای

که اینها در سینمای ایران بود. و در همان ماه توسعه مبنی عرض

پس از این روزات نفت ریخته شد. و در آن موقع بگویهای

بین وزارت دارائی و گروه نزدیک بود دکتر سیروس

ابراهیم زاده نامداری بود. آدم جاهطلبی بود. سیروس

توکل که قبل از انقلاب مورد غضب دستگاه فرار

گرفت بود به ایران فرا خوانده شد و نماینده را

دیرگردی کارخانهای اقتصادی کردند پس از امضا

بهین کردند. که تنها با پیشنهاد نزدیک بود

نیزه همکاری کنم و من همکار بیرون کریم بودم.

دکتر جرایدی معاون ساقی وزارت دارائی ابتدا

که اینها در زندان بودند پس از زندان سیاه

پس از زندان تهدید شد. و دکتر جرایدی معاون ساقی

بطور محبد زندانی بودم و بعد به زندان دیگر منتقل

شد.

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: ممکن است اسم رمز داشته باشد؟

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چند اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چو ملا که تنها همکاری کنم

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چو ملا که تنها همکاری کنم

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چو ملا که تنها همکاری کنم

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چو ملا که تنها همکاری کنم

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چو ملا که تنها همکاری کنم

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چو ملا که تنها همکاری کنم

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چو ملا که تنها همکاری کنم

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چو ملا که تنها همکاری کنم

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چو ملا که تنها همکاری کنم

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چو ملا که تنها همکاری کنم

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

منهم در اینه سخن خود با ماموران سیا

هر دو سه ماهی "جما" میدادند. لیکن شرم داشتم از

اینکه بکیرم. من نمیتوانستم پول نگیرم. و هیچ

وقتی به من نگفتند که "چو ملا" فلان اطلاعات را

نمیدهیم.

حاکم شرع: چو ملا که تنها همکاری کنم

منهم: من به نام علی منصوری اضاء میکردم

و آنها مرآ گفتند که تنها همکاری کنم

